



اخبار

متروپل در نمایشگاه عکس «غمی دگر»

نمایشگاه عکس «غمی دگر» به مناسبت چهلمین روز حادثه متروپل و به همت خانه عکاسان ایران در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران، حوزه هنری افتتاح شد. به گزارش «وطن امروز» سیداحسان باقری، مدیر خانه عکاسان ایران درباره برپایی نمایشگاه «غمی دگر» گفت: این نمایشگاه به مناسبت چهلمین روز حادثه متروپل با آثاری از ۱۲ عکاس خوزستانی که نخستین ساعات حادثه در موقعیت آن حضور داشتند و تا روزهای بعد هم عکاسی را ادامه دادند، برپا شده است. وی در همین راستا افزود: ۲۶ اثر از این ۱۲ عکاس در نمایشگاه «غمی دگر» در قطعه‌های ۱۰۰۰ در ۷۰ سانتیمتر و ۱۵۰ در ۱۰۰ سانتیمتر در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شده است. یک عکس هم در اندازه ۱۵۰ در ۲۵۰ سانتیمتر در ورودی نمایشگاه نصب شده است. مدیر خانه عکاسان ایران درباره عکس‌های این نمایشگاه گفت: نمایشگاه عکس «غمی دگر» شامل آثاری است که ساختمان متروپل و فجاج پیروامونش، تدفین کشته‌شدگان آن، حضور رئیس‌جمهوری در منازل داغ‌دیدگان و حضور نیروهای جهادی و مردمی را از زوایای گوناگون به تصویر می‌کشد. مدیر خانه عکاسان ایران اضافه کرد: تلاش می‌کنیم در کنار این نمایشگاه «شست عکاسی بحران» را هم برگزار کنیم. گفتنی است بخشی از ساختمان دوقلوی متروپل آبادان در ساعت ۱۲:۴۰ دوشنبه دوم خرداد ریزش کرد که بر اثر این حادثه ۲۳ نفر از هموطنان جان باختند و ۳۷ نفر نیز مصدوم شدند.

قطعه‌ای برای یامامورا

شعر و دلکلمه‌ای از میلاد عرفان‌پور به مناسبت درگذشت مرحوم «کونیکو یامامورا» مادر شهید بابایی منتشر شد. به گزارش «وطن امروز»، یک قطعه موسیقی شامل شعر و دلکلمه از میلاد عرفان‌پور (شاعر معاصر) به مناسبت درگذشت خلم «کونیکو یامامورا»، مادر فقید شهید بابایی توسط علی مهربانی ساخته شده است. مراسم وداع با پیکر سایر بابایی (کونیکو یامامورا) مادر زاپنی شهید دفاع مقدس، عصر شنبه (۱۱ تیر ۱۴۰۱) برگزار شد. شهید محمد بابایی در عملیات والفجر یک، در منطقه فکه به شهادت رسید. این قطعه توسط معاونت هنری سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران منتشر شده است.

تأسیس نخستین

تلویزیون اینترنتی شهری

«شهر تی‌وی» نخستین تلویزیون اینترنتی شهری کشور با هدف معرفی و نمایش جاذبه‌های طبیعی و گردشگری شهرهای ایران و توسعه صنعت گردشگری در آنها افتتاح شد. به گزارش «وطن امروز»، نخستین تلویزیون اینترنتی شهری کشور با نام «شهر تی‌وی» با حضور احمد وحیدی وزیر کشور، مهدی جمالی‌نژاد رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و جمعی از مسئولان کشوری در اولین نمایشگاه شهر هوشمند ایران افتتاح شد. سومین تلویزیون اینترنتی با هدف نمایش جاذبه‌های طبیعی و گردشگری، ویژگی‌ها و آداب و رسوم مردم شهرهای مختلف و توانمندی‌های آنها و همچنین فراهم کردن بستری برای معرفی کسب‌وکارها و اشتغال‌زایی در سراسر تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین، سعی دارد به توسعه فرهنگی و اقتصاد شهرهای کشور کمک کند. «شهر تی‌وی» به همت یک شرکت فناوری راهاندازی شده و سعی دارد در حوزه معرفی شهرهای ایران و توسعه صنعت گردشگری فعالیت جدی داشته باشد. «شهر تی‌وی» با مجوز رسمی صداوسیما جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر راهاندازی شده است.

حسین‌پور شعر استاد بهمنی را خواند

قطعه «هگژدر» از آلبوم «هشت انتخاب» رامین حسین‌پور با شعر محمدعلی بهمنی منتشر شد. به گزارش «وطن امروز»، رامین حسین‌پور قطعه جدید خود را با نام «هگژدر» با شعری از محمدعلی بهمنی منتشر کرد. حسین‌پور آهنگساز، تنظیم‌کننده، خواننده و نوازنده کل آلات موسیقی این اثر است. «هگژدر» قطعه‌ای عاشقانه و عارفانه است که مضمون شعر آن بر پایه ارزش نهمان به لیاقت و باور به عشق واقعی است. هگژدر میل به جاودانگی را در ذهن مخاطب رقم می‌زند. این اثر از آلبوم «هشت انتخاب» است که در پیش‌تولید به سر می‌برد و بزودی فرایند دکوپاژ و ویدئوآر را این قطعه آغاز می‌شود. این قطعه که شعر و موسیقی آن مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارد، توسط حسین‌پور با سازهای گیتار الکتریک، گیتار بیس، درامز، کیبورد، پیانو، چلو و گیتار آکوستیک خلق شده است. میکس و مسترینگ هم بر عهده رامین حسین‌پور بوده است. رامین حسین‌پور دانش‌آموخته معماری، موسیقی و سینماست که در حوزه موسیقی به عنوان شاعر، آهنگساز، تنظیم‌کننده و نوازنده شناخته می‌شود. وی همچنین در حوزه سینما نیز به عنوان نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده و همچنین کانسپت‌چال آرتیست مشغول به کار است. حسین‌پور سال ۹۴ با تعلق هنر معماری، موسیقی و سینما، ۲ اثر با نام‌های غنیمت و اشتیاق تولید کرد که در فستیوال‌های بین‌المللی به عنوان فینالیست حضور پیدا کرده‌اند.

انتصاب اعضای شورای

سیاست‌گذاری هنرهای تجسمی

مدیر مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور احکامی اعضای شورای سیاست‌گذاری بیست‌ونهمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان را منصوب کرد. به گزارش «وطن امروز»، عبدالرضا سهرابی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی و رئیس شورای سیاست‌گذاری بیست‌ونهمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان با صدور احکامی کاظم چلیپا، محمد مهدی رحیمی‌جان، علی‌اشرف صندوق‌آبادی، فرهاد اربابی، سیدنظام‌الدین امامی، فرح‌محمد رضا دوست‌محمدی، صدیقه احمدی، عبدالرحیم سبهاکارزاده و محمد خراسانی‌زاده را به عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری این جشنواره منصوب کرد.

حضرت امام حسن مجتبیٰ (ع)

نه پاکدامنی، روزی را از انسان دور می‌کند و نه حرص، روزی زیاد می‌آورد، چون روزی قسمت شده است و حرص زدن باعث مبتلا شدن به گناهان می‌شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۲۸۲
تحریریه: ۶۶۴۱۳۲۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۲۸۲
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰



تجدید چاپ روایت زندگی شهید شمیران‌نشین

مستغنی زمانه

تهنیت، عشق، سلام...
به تو ای دل‌بندم، به تو ای فرزندم...

این اشعار سروده مادری است که پس از شهادت فرزندش، قلم به دست می‌گیرد و می‌نویسد تا میبازد جان گذشته‌گی فرزندش در لابه‌لای ورق‌های تاریخ گم شود؛ مادر شهید عبدالحمید فتاحیان.

به گزارش «وطن امروز»، استثنایها همواره برای ما جذاب بوده‌اند، حتی در جبهه جنگ، شاید از بین هزاران شهید دفاع مقدس، اسم هزاران نفر از آنها را حتی یک بار هم در طول عمرمان نشنویم اما لوتی بودن شاهرخ زرغام او را از این هزاران نفر جدا می‌کند و از او برای‌مان یک استثنا می‌سازد.

شهید عبدالحمید فتاحیان هم یکی از این استثناهاست؛ شهیدی که چشمش را بر تمول خانواده و یک زندگی مرفه بست و به جبهه رفت.

عبدالحمید فقط ۱۴ سال داشت که وارد جبهه شد اما تنها هم و غمش جبهه نبود. او هم‌زمان با حضور در جبهه‌ها در سراسر راه ادامه داد و در کنکور سراسری سال ۶۶ توانست قبولی دانشگاه تهران را به دست بیاورد. او نتوانست بیش از ۲ ترم در این دانشگاه درس بخواند؛ ترکشی که در نخستین روزهای فروردین ۶۷ او را در سن ۱۹ سالگی به شهادت رساند، چنین اجازه‌ای به او نداد.

کتاب «تهنیت، عشق، سلام» روایتی مادرانه از زندگی شهید فتاحیان است. کتابی که خرداد ۹۹ به چاپ رسید، در ۲ سال اخیر با استقبال خوبی از سوی خوانندگان مواجه بوده؛ به نحوی که در خردادماه امسال چاپ دوم خودش را تجربه کرد. به همین بهانه، سیراق فاطمه دانشورجلیل، نویسنده این کتاب رفتیم و با وی درباره این استقبال و فراز و فرودهای نگارش این کتاب، گفت‌وگویی کردیم.

تجدید چاپ کتاب «تهنیت، عشق، سلام» امسال هم‌زمان با نمایشگاه بین‌المللی کتاب اتفاق افتاد و شما از نزدیک شاهد فروش چاپ دوم کتاب بودید؛ بیشتر چه گروه سنی و چه قشری خواننده این کتاب بودند؟

خوانندگان زندگی‌نامه‌های شهدا قبلاً بیشتر قشر مذهبی بودند اما الان یک شیوه جدیدی که داریم در نگارش کتاب‌ها رعایت می‌کنیم، داستان نویسی است. قلم داستانی برای جوانان جذاب است. به اعتقاد من امروز همه جوانانی که به رمان‌های مستند علاقه دارند، اعم از مذهبی و غیرمذهبی، به سمت چگونه زیستن شهدا هم کشیده شده‌اند. در نمایشگاه کتاب امسال در جشن کتاب به چشم خود دیدم که فقط مذهبی‌ها نبودند که از این گونه کتاب‌ها استقبال می‌کردند.

کتاب «تهنیت، عشق، سلام» دومین همکاری شما با انتشارات روایت فتح بود.

«حلوای عروسی» نخستین همکاری شما با این ناشر بود که آن هم استقبال خیلی خوبی را در پی داشت؛ «تهنیت، عشق، سلام» بیشتر دیده شد یا «حلوای عروسی»؟

«حلوای عروسی» هم اسم و هم طرح جلد جذابی داشت، البته اسم آن انتخاب ناشر بود. این جذابیت اسم و طرح جلد خیلی تأثیر داشت ولی افزون بر آن، ماجرای شیرین زندگی مادر شهید و فراز و نشیب‌های دوران حیات او، در استقبال بالایی که از این کتاب شد، دخیل بود. به گونه‌ای که این کتاب هم‌اکنون به چاپ چهارم خود رسیده است و می‌توانم بگویم این عوامل دست به دست هم داد تا «حلوای عروسی» استقبال بیشتری را نسبت به «تهنیت، عشق، سلام» تجربه کند.

آیة نگارش زندگی شهید فتاحیان چگونه به ذهن‌تان رسید؟

پدر شهید نگارش «تهنیت، عشق، سلام» را برادر شهید عبدالحمید فتاحیان به روایت فتح داده بود و از موسسه خواسته بود در رابطه با برادرشان کتابی نوشته شود. روایت فتح از من خواست کاری شبیه «حلوای عروسی» بنویسم. می‌خواستند زندگی‌نامه شهید فتاحیان را در قالب یک کار مادرانه بنویسم. در «حلوای عروسی» من کل زندگی مادر شهید را از کودکی تا همان سال نگارش کتاب نوشتم. در رابطه با «تهنیت، عشق، سلام» هم رویه به همین شکل بود. از زندگی مادر شهید گرفته تا سال نگارش کتاب یعنی سال ۹۸، همه را روایت کردم. هدف از این مادرانه نوشتن این بود که ریشه‌های تربیت شهید نمایان شود و ببینیم شهید در دامن چه مادری پرورش یافته و بر سر چه سفره‌ای بزرگ شده است.

۲ کتاب «حلوای عروسی» و «تهنیت، عشق، سلام» با ۲ شهیدی آشنا می‌شویم که در ۲ شرایط خانوادگی متفاوت زندگی می‌کردند؛ این قضیه هم در خدمت همان نمایان کردن ریشه‌های تربیتی شهید است؟

بله! همان‌طور که اشاره کردید، «حلوای عروسی» روایتی از یک خانواده با مشکلات سرسام‌آور اقتصادی است اما در «تهنیت، عشق، سلام» شهید در خانواده‌ای تک‌دیده زندگی می‌کند؛ خانواده‌ای که در شمیران خانه‌ای ۲هزار متری دارند. در «تهنیت، عشق، سلام» پدر شهید کسی است که نخستین کتاب را در اختیارش می‌کند. این کتاب با تأسیس می‌کند. این ۲ خانواده از لحاظ اجتماعی و اقتصادی کاملاً نقطه مقابل یکدیگر بودند. تفاوت شرایط مالی و اجتماعی این ۲ شهید یک پیام برای‌مان دارد. این تصور بین عموم وجود دارد که در سال‌های دفاع مقدس، جوانانی به جبهه می‌رفتند که یا مشکل اقتصادی داشتند یا تنبل و از مدرسه و کنکور و دانشگاه فراری بودند؛ یا حداقل درون خانواده خود با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کردند، در صورتی که «تهنیت، عشق، سلام» دقیقاً نقطه مقابل همه این چیزهایی را که نسل به نسل به گوش‌مان می‌رسد و قصد تحریف تاریخ را دارد، اثبات می‌کند.

شهید فتاحیان در یک خانواده با عشق و عاطفه بزرگ می‌شود و مشکل خانوادگی نداشته است.

علاوه بر این، او بسیار به درس علاقه‌مند بود. برادر این شهید نقل می‌کند که یک بار به دنبال عبدالحمید می‌گشته و او را پشت خاکریزی جلودار از خط مقدم می‌پایند؛ در حالی که هر چند دقیقه یک بار سرش را بالا می‌آورد و مجدداً پایین می‌رفته است. برادر شهید می‌گوید: نزدیک‌تر که رفتم، دیدم او هنگام دیدهبانی علاوه بر تحت نظر داشتن اطراف، کتاب درسی را که به همراه داشت، می‌خواند که برای کنکور آماده شود. این ۲ کتاب، زندگی ۲ شهید مختلف را روایت می‌کند که هر دو تقریباً هم سن و سال و مجرد بودند ولی با ۲ شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت. می‌خواهم بگویم که در آن زمان، جوانان از هر قشری هم که بودند، نسبت به میهن و دفاع از آن احساس مسؤولیت می‌کردند.

مهم‌ترین آموزه‌ای که از زندگی این شهید آموختید، چه بوده است؟

نکته‌ای که از زندگی شهید فتاحیان خیلی برای من درس‌آموز بود، این بود که «دارا» بود و به دنیا پشت کرد. در اوضاع فقر و نداری شاید پشت پا زدن به دنیا کار دشواری نباشد. شهید فتاحیان می‌توانست برای ادامه تحصیل به خارج از کشور برود و در بهترین دانشگاه‌ها تحصیل کند، یا حتی در بهترین مدرسه غیرانتفاعی تهران درس بخواند اما وقتی به سن نوجوانی می‌رسد و راهش را انتخاب می‌کند، به همه این چیزها پشت پا می‌زند! او حتی یک پیراهن خارجی را به عنوان هدیه قبول نمی‌کرد! بیشتر جوانان عصر حاضر اینگونه نیستند، بلکه اگر «دارا» باشند از داشته‌های‌شان حداکثر استفاده را در وهله اول برای خودشان می‌برند. شهید فتاحیان اما با داشته‌هایش به دیگران هم نفع می‌رساند. مثلاً در استخر خانه‌شان بچه‌های کوچک را جمع می‌کرد و به آنها شنا کردن یاد می‌داد یا دانش‌آموزان ضعیف‌تر در بسازار در نظر گرفتیم که آماده ترخیص می‌داد. او چه از لحاظ مسائل مالی و چه از لحاظ سایر امکانات و نعمت‌هایی که خدا در اختیارش قرار داده بود، در نفع رساندن به دیگران کوتاهی نمی‌کرد. خود شهید هم می‌گوید: «باید خالص شوم تا خدا مرا به شهادت برساند». این خلوص در همان سن ۱۹ سالگی کاملاً در سبک زندگی این شهید عیان است.

هم‌اکنون هم مشغول نوشتن کتاب در حوزه شهدا هستید؟ اگر هستید چه کتابی؟

حقیقتاً نیت کردم هر سال زندگی‌نامه حداقل یک شهید را با ادبیاتی زنانه یعنی از زبان مادر شهید، همسر شهید یا خواهر شهید بنویسم. امسال هم ان‌شاءالله زندگی‌نامه شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع در نیمه دوم سال به چاپ خواهد رسید. نگارش این کتاب، تمام شده و در مرحله تأیید است.

به نظر شما چگونه می‌توانیم روند خوب استقبال از کتاب‌های مربوط به زندگی شهدا را تداوم ببخشیم؟

از بین کتاب‌های بنده، معمولاً آنهایی مورد استقبال قرار گرفته که ناشرانش و همین‌طور خانواده شهید در رابطه با آن کتاب تبلیغ کرده‌اند. مثلاً «گردان سپاهپوش» کاری مشترک بین بسیج دانشجویی و فاتحان بود. این کتاب بعد از ۴-۳ سال تازه اعلام وصول شده و روی سایت قرار گرفته و هنوز به خود خانواده شهید نرسیده است! متأسفانه کتاب‌هایی هستند که همگی انبار شده‌اند و خاک می‌خورند. اینکه کتاب به انبار برود و خاک بخورد، برای نویسنده خیلی ناراحت‌کننده است.

بعضی از رگان‌ها بودجه‌هایی را برای یک پروژه می‌گیرند و پس از دریافت بودجه، پروژه را رها می‌کنند. پرسش این است: آیا هدف فقط نوشتن کتاب‌ها بود؟! قطعاً هدف این بوده که کتاب به دست خواننده برسد و تأثیر خود را بر جامعه بگذارد. اگر همه ناشران چنین نیتی داشته باشند و دغدغه‌شان دیده شدن شهید و زندگی شهید باشد، قطعاً استقبال از اینگونه کتاب‌ها بیش از پیش خواهد بود.



هم‌اکنون هم مشغول نوشتن کتاب در حوزه شهدا هستید؟

حقیقتاً نیت کردم هر سال زندگی‌نامه حداقل یک شهید را با ادبیاتی زنانه یعنی از زبان مادر شهید، همسر شهید یا خواهر شهید بنویسم. امسال هم ان‌شاءالله زندگی‌نامه شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع در نیمه دوم سال به چاپ خواهد رسید. نگارش این کتاب، تمام شده و در مرحله تأیید است.

به نظر شما چگونه می‌توانیم روند خوب استقبال از کتاب‌های مربوط به زندگی شهدا را تداوم ببخشیم؟

از بین کتاب‌های بنده، معمولاً آنهایی مورد استقبال قرار گرفته که ناشرانش و همین‌طور خانواده شهید در رابطه با آن کتاب تبلیغ کرده‌اند. مثلاً «گردان سپاهپوش» کاری مشترک بین بسیج دانشجویی و فاتحان بود. این کتاب بعد از ۴-۳ سال تازه اعلام وصول شده و روی سایت قرار گرفته و هنوز به خود خانواده شهید نرسیده است! متأسفانه کتاب‌هایی هستند که همگی انبار شده‌اند و خاک می‌خورند. اینکه کتاب به انبار برود و خاک بخورد، برای نویسنده خیلی ناراحت‌کننده است.

بعضی از رگان‌ها بودجه‌هایی را برای یک پروژه می‌گیرند و پس از دریافت بودجه، پروژه را رها می‌کنند. پرسش این است: آیا هدف فقط نوشتن کتاب‌ها بود؟! قطعاً هدف این بوده که کتاب به دست خواننده برسد و تأثیر خود را بر جامعه بگذارد. اگر همه ناشران چنین نیتی داشته باشند و دغدغه‌شان دیده شدن شهید و زندگی شهید باشد، قطعاً استقبال از اینگونه کتاب‌ها بیش از پیش خواهد بود.

تسهیل ورود کاغذ به بازار

خیال روزنامه‌ها راحت شد

شمسایی درباره میزان سهمیه نشریات اظهار داشت: فرم اعلام وصول نشریات که طبق قانون از سوی صاحبان امتیاز تحویل معاونت مطبوعاتی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها می‌شود و نیز تکمیل فرم خوداظهاری نشریات برای مصرف اردیبهشت آنها به علاوه بررسی‌های میدانی‌ای که از چاپخانه‌ها شروع کردیم، معیار ما برای تخصیص سهمیه خواهد بود.

مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی یادآور شد: به حال آنچه مصرف واقعی کاغذ روزنامه‌هایی را که برای آنها مشتری وجود دارد مشخص می‌کند، مصرف‌شان در اردیبهشت است و طبق همین مصرف و بررسی‌های میدانی خودمان، میزان سهمیه‌ها را اعلام می‌کنیم.



مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا از تسهیل ورود کاغذ به بازار خبر داد و گفت: به منظور حمایت از رسانه‌های مکتوب، کاغذ را با نرخ بسیار مناسب و کمتر از رقم موجود در بسازار در نظر گرفتیم که آماده ترخیص از گمرک نوشهر است و ان‌شاءالله مصرف یک سال مطبوعات را پوشش می‌دهد.

به گزارش «وطن امروز»، ایمان شمسایی افزود: بار این کاغذها در بندر نوشهر تخلیه شده و منتظر کارهای اداری آن هستیم. نکته‌ای که وجود دارد این است که ما خودمان مستقیم کاغذ را به دست مصرف‌کننده خواهیم رساند و به نشریات سهمیه می‌دهیم.

تأسف استاد نصریان از بی‌توجهی به زبان فارسی

بی‌مهری به میراث مادری



در این زمینه علی نصریان از هنرمندان پیشکسوت حوزه تئاتر، سینما و تلویزیون که این روزها نقش یک سردار مغول در جریان حمله به نیشابور و جریان کتاب‌سوزی را در کنسرت-نمایش «سپید» بازی می‌کند، با ابراز تأسف

خبر حذف دروس عمومی از کنکور سال ۱۴۰۲، آسیب‌های این اتفاق و هشدار برای کم شدن ساعت‌های آموزشی درس ادبیات موضوعی بوده که در یکی، دو هفته گذشته از نگاه تعدادی معلم، نویسنده و شاعر بررسی شد.

از شنیدن چنین خبری به ایسنا می‌گوید: زبان و ادبیات فارسی هویت و بخشی از شناسنامه ما است. شعر ما هزار سال قدمت دارد و اینها میراثی بسیار ارزنده از لحاظ تفکر، اخلاق، زندگی و زبان است. هر اقدامی به حذف آموزش اینها منجر شود از نظر من نامطلوب است. وی معتقد است: آموزش زبان و ادبیات فارسی قطعاً باید از دوران مدرسه اتفاق بیفتد و این وظیفه دولت و آموزش و پرورش است که پاسبان و نگهبان زبان فارسی باشد. همچنین از جایی مثل فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم باید در این مورد سوال پرسیده شود که چه اقدامی در مقابل این نوع اتفاقات انجام می‌دهند. این بازیگر اظهار داشت: بخش عمده هویت ما زبان و ادبیات است؛ ادبیات جزئی از زندگی مردم ایران است و حتی قبرستان‌ها را که نگاه کنید، می‌بینید روی بیشتر سنگ قبرها شعر نوشته شده است، بنابراین فکر می‌کنم هرآنچه منجر به حذف یا کم شدن جایگاه آموزش زبان و ادبیات فارسی شود به هویت واقعی یک ایرانی، بویژه بچه‌ها لطمه می‌زند.